درمکتب امام

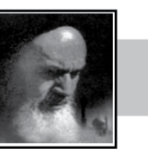

از داخل آسیب می‌زنند

آنکه نهضت شما را و ما را به هم می‌زند، آسیب زده می‌کند از داخل است، از خارج نیست. یعنی دستجاتی که همه الهام از آن طرف مرز می‌گیرند، اینها درصددند که اینجا اوضاع را مغشوش کنند و آنها در خارج منعکس کنند که مسئله ایران اینطوری است.

صحیفه امام؛ ج۱۲؛ ص۶۴ | قم؛ ۱۷ دی ۱۳۵۸

نگاه

کنوانسیون‌های بین‌المللی چماقی علیه کشورهای ناهمسو

دکتر ابراهیم کارخانه‌ای*

همان‌گونه که مقام معظم رهبری در دیدار با نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی فرمودند کنوانسیون‌های مشکل‌دار بین‌المللی ابتدا در اتاق فکر قدرت‌های سلطه‌گر و با اهداف استعماری تدوین و پس از عضویت کشورهای همسو و مرعوب که هیچ‌گونه نقشی در تهیه آنها نداشته‌اند به مرحله اجرا درمی‌آیند. کمتر معاهده یا کنوانسیون بین‌المللی است که براساس منافع قدرت‌های سلطه‌گر جهانی طراحی و برنامه‌ریزی نشده باشد. در ذیل به‌طور مختصر به بررسی ۵ کنوانسیون که هم اکنون در مجلس شورای اسلامی و یا در شورای نگهبان در صف بررسی و اقدام می‌باشند، پرداخته می‌شود:

۱- کارگروه ویژه اقدام مالی FATF که دولت محترم در خرداد ماه ۹۵ با پنهانکاری سیاسی شرایط ۴۱ بندی آن‌را قبل از تصویب در مجلس تحت عنوان برنامه اقدام تعهد نموده است نخستین بار در سال ۱۹۸۹ در اتاق فکر هفت کشور بزرگ صنعتی شامل آمریکا، فرانسه، انگلیس، آلمان، کانادا، استرالیا و ژاپن طراحی و برنامه‌ریزی گردید. این نهاد که تاکنون از ۳۵ عضو حقیقی و دو عضو حقوقی شامل اتحادیه اروپا و شورای همکاری خلیج‌فارس تشکیل شده است، تحت سلطه و نفوذ آمریکا مدیریت و برنامه‌ریزی می‌شود. تسلط وزارت خزانه‌داری آمریکا بر این نهاد عملاً آن را به کانونی برای توطئه در جهت سیاست‌های استعماری آمریکا و غرب تبدیل کرده است در فرمایشی بودن این نهاد توطئه‌گر همین بس که عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی را که پدر تروریسم دولتی و عظیم‌ترین مجرم پولشـــویی و تامین منابع مالی تروریسم در منطقه هستند را در لیست سیاه تحریم اقتصادی اعلام نکرده است و در مقابل تنها دو کشور کره شمالی و جمهوری اسلامی ایران را که خود قربانی تروریسم و در صف اول مبارزه با تروریسم در جهان ایستاده است را در لیست سیاه فعالیت‌های اقتصادی قرار داده است. واقعیت این است که FATF در عرصه اقتصادی علیه کشورهای ناهمسو همان نقشی را بازی می‌کند که NPT در عرصه هسته‌ای ایفا می‌کند. بدون تردید تسلط بیگانگان بر سیستم مالی و بانکی کشورها با هدف فریب‌کارانه شفافیت مالی و اقتصادی توطئه خطرناکی‌ست علیه منافع ملی و امنیت سیاسی و منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران که این‌بار نه از جنس هسته‌ای بلکه از جنس سیاست، اقتصاد، امنیت و اقتدار است که اهداف به مراتب خطرناک‌تری را تعقیب می‌کند. اینکه تصور شود که یک نهاد جاسوسی مالی بین‌المللی که سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و حزب‌الله لبنان را در ردیف گروه‌های تروریستی قرار داده است در مسیر شفاف‌سازی و سلامت اقتصادی کشور قدم بردارد ناشی از ساده‌اندیشی سیاسی و ناتوانی در شناخت ماهیت و نیرنگ استکبار جهانی است. شفاف‌سازی فعالیت‌های مالی و بانکی بر پایه تدوین قوانین داخلی کشورها اقدامی لازم و مورد حمایت است لیکن شفاف‌سازی برپایه اهرم خدعه و نیرنگ کنوانسیون‌های بین‌المللی و براساس نقشه‌های شوم قدرت‌های ســلطه‌گر و در رأس آنها شیطان بزرگ هیچ ارتباطی به شفافیت اقتصادی ندارد. تاسف‌بار است که دولت جمهوری اسلامی ایران با پذیرفتن شرایط خسارت بار FATF برای خروج ایران از لیست سیاه در قالب برنامه اقدام ۴۱ بندی، براساس بندهای ۲۸ و ۲۹ توافق با FATF جمهوری اسلامی ایران را متعهد به تصویب معاهدات توطئه‌گر پالرمو و مبارزه با تامین مالی تروریســـم در مجلس شـــورای اسلامی نموده است که در حال حاضر این کنوانسیون‌ها در شورای نگهبان و مجلس شورای اسلامی در دست بررسی و اقدام می‌باشند.

۲- اتحادیه جهانی حمایت از ارقام جدید گیاهی (UPOV) در سال ۱۹۶۱ تاسیس و تاکنون علی‌رغم چندین اصلاحیه ۶۷ کشور عضویت آن را پذیرفته‌اند. این معاهده بعد از برگشت از شورای نگهبان هم‌اکنون در مجلس شورای اسلامی در دست بررسی و اقدام است. هدف این معاهده کنترل و نظارت بر بذر و نهال کشـــورها در چارچوب سیاست‌های ترسیم شده می‌باشد. اگر NPT کنترل و نظارت بر فعالیت‌های هســـته‌ای و FATF کنترل و نظارت بر معاملات و مبادلات مالی و بانکی کشورها را هدف قرار داده است معاهده حمایت از ارقام جدید گیاهی (UPOV) کنترل و نظارت بر تهیه مواد غذایی و حیاتی کشـــورها را مورد هدف قرار داده است. براساس مفاد این معاهده بذرهای بومی کشورها جای خود را به بذرهای یکبار مصرف اعلام شده از سوی معاهده خواهد داد و به مرور بذرهای خودمصرفی (که استفاده مجدد از آنها در سال بعد امکان‌پذیر است) منسوخ و بذرهای یکبار مصرف و برنامه‌ریزی شـــده از سوی UPOV جایگزین آنها خواهد شد. با توجه به ناشناخته بودن ماهیت این بذرها و احتمال نفوذ سرویس‌های جاسوسی و بیوتروریستی در تولید و توزیع آنها از سوی شبکه‌های عظیم صهیونیستی و آمریکایی، یقینا به مصلحت یک کشور انقلابی، اسلامی و ناهمسو با سیاســـت‌های سلطه‌گرانه آمریکا و غرب و رژیم صهیونیستی نخواهد بود که مواد غذایی و حیاتی کشـــور را به اهداف پشت پرده و ناشناخته این کنوانسیون پیوند بزند. در حالی که شیطان بزرگ و رژیم صهیونیســـتی با تاسیس بانک بذر و نهال تمامی انواع گونه‌ها بومی کشورها را حفظ می‌کنند. به‌دور از حکمرانی عقلانی است که با منسوخ نمودن نسل بذر و نهال کشور، سرنوشت غذایی ملت را به برنامه‌های پشت‌پرده و ناشناخته کشورهای توطئه‌گر و مسلط بر معاهدات بین‌المللی پیوند زد!

۳ - معاهده اقلیمی پاریس در ســـال ۲۰۱۵ با شرکت نمایندگان ۱۹۵ کشور جهان در پاریس در چارچوب کنوانسیون تغییر اقلیم سازمان ملل متحد مصوب شد. تاکنون ۱۴۷ کشور جهان این معاهده را به تصویب مجلس خود رسانده‌اند. در جمهوری اسلامی ایران این معاهده پس از تصویب در مجلس شورای اسلامی و برگشت از شورای نگهبان در حال حاضر در کمیسیون کشاورزی مجلس شـــورای اسلامی در دست بررسی و اقدام است. هدف این کنوانسیون رساندن میزان افزایش دمای زمین در قرن جاری به زیر ۲ تا یک و نیم درجه سانتیگراد از طریق کاهش تولید گازهای گلخانه‌ای است. اگرچه ظاهراً هدف این کنوانسیون جلوگیری از گرم شدن زمین است لیکن در پس پرده این معاهده، اقدامات خسارت باری متوجه کشورهایی خواهد شد که محور توسعه آنها ذخایر نفت و گاز اســـت. در این کنوانسیون مقرر شده است که کشورها بر اساس تعهدی که سپرده‌اند درصد معینی از گازهای گلخانه‌ای خود را کاهش دهند. با توجه به اینکه این اقدام تنها با کنترل تولید و مصرف سوخت‌های فسیلی ممکن است بر این اساس کشورهایی که با اتکا به ذخایر عظیم نفت و گاز چرخ نیروگاه‌ها، صنایع پتروشـــیمی، صنعت حمل‌ونقل خود را می‌چرخانند بیشترین محدودیت‌ها و در مقابل آمریکا و اروپا که ذخایر نفتی آنها طی یکی دو دهه آینده به پایان می‌رسد،کمترین محدودیتها را متحمل خواهند شد و از سوی دیگر با توجه به نقش ۲/۰ درصدی دی اکسید کربن در آلایندگی بر پایه منابع انسانی عملا این معاهده ابزاری است که کشورهای توسعه‌یافته با استفاده از آن رقبای آینده را به عنوان دارنده منابع عظیم نفت و گاز تحت کنترل خود درآورده و نفوذ سیاسی اقتصادی و فناوری خود را حفظ کنند.

و از آنجا که کشـــوری مانند ایران که باتوجه به ذخایر عظیم زیرزمینی هنوز در آغاز راه توسعه صنایع نفت و گاز است و بر اساس بندهای ۱۳ و ۱۴ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی افزایش صادرات گاز، برق، پتروشیمی، فرآورده‌های نفتی و حفظ و توسعه ظرفیت‌های نفت و گاز از محورهای اصلی توسعه و پیشرفت کشور است اقدام عجولانه در پیوست به این معاهده و تقبل ۴ درصدی بلاشرط گازهای گلخانه‌ای و ۱۲ درصدی مشروط به رفع تحریمها جای تعجب و شگفتی دارد! وقتی آمریکا که ذخایر نفت آن طی یکی دو دهه آینده به اتمام خواهد رســـید و با تولید ۸۹/۱۷ درصد گازهای گلخانه‌ای جهان در رتبه دوم قرار دارد با هدف رفع محدودیت در تولید واشتغال از این معاهده خارج شده است قابل تامل و تاسف است که دولت جمهوری اسلامی با تعهد کاهش گازهای گلخانه‌ای به دل نگرانی در رابطه با گرم شدن زمین پاسخ مثبت داده است! در حالی که با انجام این تعهد چرخ پیشـــرفت و تولید کشـــور کند و عدم اجرای آن در بازه زمانی ۲۰۲۰ الی ۲۰۳۰ تنبیهات سختی را متوجه جمهوری اســـلامی ایران خواهد ساخت و هزینه‌های مورد نیاز برای کاهش‌های ۴ درصدی و ۱۲ درصدی به ترتیب ۵/۱۷و ۵/۵۲ میلیارد دلار پیش‌بینی گردیده اســـت، ساده انگاری است که موافقان عضویت با خوشبینی برجامی بر این باورند که این مبالغ از سوی کشورهای پیشرفته تامین خواهد شد! نکته خطرناک‌تر اینکه بند ۱۳ کنوانسیون در جهت اجرای صحیح تعهدات، کشورها را موظف به شفاف‌سازی اطلاعاتی در تک‌تک حوزه‌های تولید گازهای گلخانه‌ای نموده است و در بند ۱۵ معاهده بر تمهیدات لازم برای شفاف‌سازی بر پایه اعتمادسازی تاکید شده است یعنی همان بلایی را که آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به طور استثنایی و بی‌سابقه در جهان با اهرم قدرت‌های سلطه‌گر و با محوریت NPT بر جمهوری اسلامی ایران تحمیل نمود، گویا قرار است این بار با اهرم معاهده اقلیمی پاریس در قالب شفاف‌سازی گازهای گلخانه‌ای بر سر صنعت و اقتصاد کشور بیاورند که بدون شک صنایع نظامی کشور نیز مستثنی نخواهد بود! بر این اساس به دور از عقلانیت سیاسی و امنیتی است که جمهوری اسلامی ایران ملزم به انجام تعهدی گردد که علاوه‌بر کاهش سرعت چرخ اقتصاد کشور موجبات تسلط بیگانگان را بر عرصه‌های صنعتی و اقتصادی و امنیتی کشور به دنبال داشته باشد.

۴- کنوانســـیون‌های پالرمو و مبارزه با تامین مالی تروریســـم (CTF) که در سال‌های ۲۰۰۰ و ۱۹۹۹ به تصویب سازمان ملل متحد رسیده‌اند به ترتیب در شورای نگهبان و مجلس شورای اسلامی در دست بررسی و اقدام می‌باشند. این کنوانسیون‌ها دو بازوی اساسی FATF برای اعمال توطئه علیه کشورهای ناهمسو با سیاستهای آمریکا و غرب می‌باشند که با فریب جرم انگاری و مبارزه با تامین مالی تروریسم در چارچوب سیاست‌های استعماری قدرت‌های سلطه‌گر و با اهرم شفاف سازی معاملات و مبادلات مالی و بانکی در جهت تسلط بر نظام اقتصادی کشورهای ناهمسو برنامه‌ریزی و مدیریت می‌شوند. در حالی که کنوانسیون‌های مذکور در نخستین قدم حزب‌الله را در جهت سیاستهای آمریکا و اروپا در ردیف گروه‌های تروریستی اعلام نموده‌اند، بدون شک پس از عضویت ایران به کانون توطئه داخلی و منطقه‌ای علیه جمهوری اسلامی ایران تبدیل خواهند شد هر گونه تلاش برای تصویب این کنوانسیونها ضربه به منافع ملی، امنیت ملی و منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران خواهد بود. اینجانب به‌طور مبسوط خطر پیوستن به این دو کنوانسیون را طی دو یادداشت در تاریخ‌های ۲۰ و ۲۹ خرداد ماه ۹۷هشدار داده‌ام.

۵- بدون شک با توجه به تجربه تلخ تصویب برجام اعضای بصیر و هوشمند شورای محترم نگهبان این بار با ورود محتوایی به مفاد کنوانسیون‌های در دست بررسی از اعمال خسارت بر منافع ملی، امنیت ملی و منطقه‌ای و اقتصادی جمهوری اسلامی ایران جلوگیری خواهند کرد.

* رئیس کمیته هسته‌ای مجلس نهم

گزارش کیهان به روایت اسناد غربی

پشت صحنه FATF نهاد مالی یا اهرم سیاسی؟!

سرویس سیاسی-

مســـتندات موجود در منابع غربی با نمایش پشـــت پردهFATF اثبات می‌کنند که این کارگروه به ظاهر بین‌المللی، نه تنها یک نهادمالی نیست، بلکه صرفا یک اهرم سیاسی در اختیار واشنگتن برای اثرگذاری بیشتر تحریمهای ظالمانه است.

این روزها مقامات ارشـــد دولت و رسانه‌های زنجیره‌ای در اظهارات متعدد مدعی هســـتند که مشـــکلات موجود در روابط بانکـــی ایران با دیگر کشورها، با عضویت در FATF رفع می‌شود!

این در حالی اســـت که طیف مذکور در سال ۹۴ مشابه همین ادعا را درخصوص برجام مطرح کرد و تاکید داشت که تمامی تحریم‌های مالی و بانکـــی در روز اجرای برجام- دی ماه ۹۴- به طور کامل لغو خواهد شد و نه تعلیق!

اما همانطور که منتقدان به درستی‌اشاره کرده بودند، برجام نه تنها تحریم‌ها را لغو نکرد و نه تنها مراودات بانکی را تسهیل نکرد، بلکه مقدمه‌ای شد برای فشار بیشتر بر ایران! موضوع پیوستن ایران به FATF یکی از نتایج رویکرد خســـارت آفرین برجام است.

رهبر معظـــم انقلاب در دیدار با نمایندگان و کارکنان مجلس شـــورای اسلامی-۳۰ خرداد- در زمینـــه آفات پذیرش معاهداتی که برای کشـــور هزینه ایجاد می‌کنند، بیانات مهمی فرمودند. در بخشی از این بیانات آمده است:«این معاهدات ابتدا در اتاق‌هـــای فکر قدرت‌های بزرگ و برای تأمین منافع و مصالح آنها پخت و پز می‌شـــود و سپس با پیوستن دولت‌های همسو یا دنباله‌رو یا مرعوب، شـــکل به ظاهر بین‌المللی می‌گیرد به‌گونه‌ای که اگر کشور مستقلی مانند ایران، آنها را قبول نکند او را مورد هجوم شدید قرار می‌دهند که مثلاً ۱۵۰ کشور پذیرفته‌اند شما چطور آن را رد می‌کنید؟».

هدف اولیه FATF

FATF در ســـال ۱۹۸۹ و در گردهمایـــی گـــروه G-7 با توجه به افزایش نگرانی‌ها در مورد پولشویی در سطح بین‌المللی ایجاد شد. این گروه به مرور خود را به عنوان یک سازمان فرادولتی و یا بین دولتی معرفی کرد که وظیفه آن تلاش برای تنظیم اســـتانداردها و ترویج اجرای موثر اقدامات قانونی، نظارتی و عملیاتی برای مبارزه با پولشویی، تامین مالی تروریســـت و سایر تهدیدهای مربوط به یکپارچگی سیستم مالی بین‌المللی است. البته بایـــد به این نکته توجه کرد که FATF یک نهاد بین‌المللی معمول نیســـت بلکه معاهده‌ایست که نمی‌تواند از طریق اعمال قانون ایفای نقش کند. چندی پیش «ادستین» در «lawfareblog» نوشـــته بـــود «FATF محصول قوانیـــن نرم‌افزاری بین‌المللی است که با تکیه بر روشی که صراحتا نام کشـــور متخلـــف از قوانین مالـــی را اعـــلام می‌کند، به تطبیق کشورها با سیستم مالی بین‌المللی می‌پردازد که در سال‌های اخیر نشان داده اثرگذاری بالایی دارد».

با توجه به اهمیـــت FATF حالا دیگر تنها کشورها نیستند که به آن توجه دارند بلکه بانک‌ها هـــم روی آن تمرکز دارند تا دچـــار تحریم‌های احتمالی نشوند. «استورات لوی» معاون سابق وزارت خزانه‌داری آمریکا در امور تروریســـم و اطلاعات مالی که اکنون یکی از مدیران ارشد حقوقی بانک HSBC است، در این‌باره می‌گوید «موسسات مالی در تمـــام دنیا توجه زیادی به ارزیابی‌های FATF دارنـــد و از آن برای اینکه چگونه در کشـــورهای مختلف عمل کنند، استفاده می‌کنند».

سابقه همکاری ایران و FATF

سایت ایران‌واچ در گزارشی به سابقه همکاری ایـــران و گروه ویژه اقدام مالی پرداخته اســـت. در مقاله این ســـایت آمده «از سال ۲۰۰۷ گروه ویژه اقدام مالی ایران را در میان کشورهای تهدیدکننده سیستم مالی بین‌المللی قرار داد. دلیل اعضای این نهاد برای چنین تصمیمی، عدم وجود یک برنامه جامع برای مقابله با پولشـــویی(AML) و تامین منابع مالی گروه‌های تروریســـتی(CFT) بود. در سال ۲۰۰۸ FATF سطح عمل خود را از هشدار فراتر برد و از اعضای خود خواست تا هنگام معامله با ایران دقت مطالعه خود را بالا ببرند. آنها از موسسات مالی سراسر دنیا هم خواستند همین کار را انجام دهند. این افزایش دقت مطالعه شامل نظارت قوی بر روابط تجاری و معاملات بااشخاص ایرانی می‌شد.

در فوریـــه ســـال ۲۰۰۹، FATF با تحمیل اقدامات مخالف سیستم مالی ایران، فشار بیشتری را وارد کرد چراکه به ادعای این نهاد ایران در برطرف کردن نقاط ضعف خود در هر دو حوزه مورد نظر نـــاکام بود. اقدامات مخالـــف دربرگیرنده افزایش ســـخت‌گیری‌ها در مورد معاملات با ایران می‌شد که خود آن شامل افزایش ارائه گزارشات و نظارت بر روابط و معاملات تجاری، ممنوعیت بانک‌های ایرانی برای بکارگیری شعبات تابعه، محدود کردن روابط تجاری و بازبینی و مسدود کردن حساب‌های متناظر در بانک‌های مورد نظر بود. افزایش فشار FATF با داغ شـــدن مباحث مربوط به مســـائل هسته‌ای ایران همراه شده بود و از همین رو شورای امنیت سازمان ملل قطعنامه ۱۹۲۹ را تنظیم کرد که طی آن از کشورهای مختلف خواسته شد تا با اقدامات مناسب در سرزمین‌های خود از گشودن شعبات جدید، شعبات تابعه و یا دفاتر نمایندگی بانک‌هـــای ایرانی ممانعت به عمل بیاورند. جالب اینجاست که هدف شورای امنیت از تصویب این قطعنامه، محدود کردن فعالیت‌های هسته‌ای ایران و جلوگیری از توسعه سیستم‌های تسلیحات هسته‌ای عنوان شد. با این حال با وجود این فشار فزاینده، ایران همچنان در لیست سیاه FATF باقی ماند تا با اعمال سخت‌ترین تحریم‌های اقتصادی، آمریکا و متحدانش عملا سیستم بانکی، حمل‌ونقل دریایی و انرژی ایران را هدف گرفته و ایران را در سیستم مالی بین‌المللی منزوی کنند.

در ســـال ۲۰۱۵ توافق هسته‌ای امضا شد که یکی از بخش‌های مهم آن به روابط ایران با دنیا و FATF ارتباط داشت. در ژوئن سال ۲۰۱۶ ایران باردیگر مورد اســـتقبال FATF قرار گرفت چراکه حالا اعضای آن به این باور رسیده بودند که ایران درخصوص مبارزه با پولشویی و تامین منابع مالی گروه‌های تروریســـتی به سطح خوبی رسیده و به قول خودشان بیشـــترین سطح تعهدات سیاسی را از خود نشـــان داده است. در ازای این تعهدات FATF اقدامات مخالف دربرابر ایران که از ســـال ۲۰۰۹ بـــه اجرا درآمده بود را برای ۱۲ ماه تعلیق کرد و این تعلیق پس از جلساتی که در نوامبر سال ۲۰۱۷ و فوریه سال ۲۰۱۸ برگزار شد بازهم ادامه یافت. با این حال ایران همچنان در لیست کشورها با بالاترین سطح رسیدگی و ملازمات دقت مطالعه افزایش یافته قرار دارد.

در این مدت ایران بنا به درخواست‌های FATF ۴ اقدام مهم و اساسی را پیش روی خود قرار داد. در ماه ژانویه مجلس ایران پیوستن به کنوانسیون مبارزه با جرائم سازمان‌یافته بین‌المللی را تصویب کرد اما همچنان پیوستن به کنوانسیون سرکوب تدارکات تروریسم در مجلس تحت بررسی قرار دارد. دیگر مسئله مورد نظر FATF تطبیق قوانین کنونی ایران در مورد AML و CFT با اســـتانداردهای FATF بود؛ موضوعی که دهم ژانویه سال ۲۰۱۸ در مجلس تصویب شد اما قانون مقابله با تامین مالی تروریسم مسئله‌ای است که همچنان در ایران میان جناحین مختلف مورد مناقشه بوده و هنوز مجلس آن را تصویب نکرده است. برنامه جامع FATF در مورد ایران در روز ۳۱ ژانویه ۲۰۱۸ منقضی شد و این در حالی بود که طبق بیانیه‌این نهاد، بخشـــی از موارد مورد نظر تکمیل نشـــده است. به ادعای FATF ایـــران هنوز نتوانســـته ۹ گام از ده گام اجرایی را پیش ببرد».

تغییر قوانین برای افزایش فشار

«اد ســـتین» در ادامـــه مقالـــه خـــود در «lawfareblog» می‌نویســـد «در دوره‌ای کـــه جمهوری اسلامی ایران با تحریم‌های سختی مواجه شـــد، قوانین مورد استفاده در سیستم بین‌المللی مالـــی و روابـــط بانکی دچار تغییر و تحـــول عمده‌ای گردیـــد کـــه البته ایـــران از این ماجرا کاملا خـــارج بود». دقیقا پس از همین تغییرات اســـت که «دانیل گلاســـر» معاون ســـابق وزیر خزانه‌داری آمریکا می‌گوید «FATF ثابـــت کـــرده که موفقیت‌چشمگیری در افزایش ظرفیت مقابله با ایران داشته است».

*** این روزهـــا مقامات ارشـــد دولت و رسانه‌های زنجیره‌ای در اظهارات متعدد مدعی هســـتند که مشکلات موجود در روابط بانکی ایران با دیگر کشـــورها، با عضویت در FATF رفع می‌شود.**

*** طیف مذکور در سال ۹۴ مشابه همین ادعا را درخصوص برجـــام مطرح کرد و تاکید داشت که تمامی تحریم‌های مالی و بانکی در روز اجرای برجام- دی ماه ۹۴- به طور کامل لغو خواهد شد و نه تعلیق!**

در ۲۸ ژوئن سال ۲۰۱۷ فایننشال تریبون به نقل از وزارت خزانه‌داری آمریکا در مقاله‌ای تحت عنوان «ایران از قوانین FATF راضی نیست» نوشته بود:«حتی اگر به تصمیمات اخیر FATF بیاندیشیم که حقیقتا یک گام رو به جلو است، باید اعلام کنیم که این اقدامات مثبت ایران را راضی نکرده بنابراین ما مسیری را طی می‌کنیم که حقوق مردمان ایران به طور کامل دربربگیرد». جالب اینجاست که در ادامه این بیانیه آمده «از آنجایی که ایران در مدت اخیـــر اقداماتی جدی را در مبارزه با پولشـــویی و تامین مالی تروریســـم داشـــته، شایسته قضاوت بهتری است». در عین حال این رسانه می‌نویسد ایران از شرایطی برخوردار است که اقدامات صورت گرفته توســـط FATF علیه این کشور با توجه به متغیرهای تکنیکی، می‌تواند به طور کامل متوقف شـــود. اما در بیانیه می‌آید «دشمنی و خصومت آمریـــکا و متحدانش در خاورمیانه با ایران، مانع از اتفاق می‌شود».

این رسانه در ادامه می‌نویسد «پیش از نشست جهانی این نهاد در همان دوره که موضوع پولشویی و تامین مالی تروریسم محوریت آن بود. بسیاری از مقامات اروپایی و ایرانی نگرانی‌هایی را مبنی بر اســـتفاده آمریکا از قدرت خود برای تاثیرگذاری برای اعضای FATF داشتند؛ تاثیری که منجر به اتخاذ تصمیمی علیه ایران می‌شد. در همان برهه، روزنامه وال‌اســـتریت ژورنال به نقل از سناتورهای ســـابق جوزف لیبرمن و مارک کرک و گروه لابی آمریکا علیه فعالیت‌های هسته‌ای ایران می‌نویسد که آمریکایی‌ها خواستار افزایش اقدامات شدیدتر علیه ایران بودند تا مســـتندات بیشتری از پرونده هسته‌ای آن بدست آورند که از طریق فشار آوردن بوسیلهFATF این مســـئله امکان‌پذیر بود». در ادامه این گزارش آمده «آمریکا، آرژانتین، اسرائیل و شورای همکاری خلیج‌فارس خواستار بازگرداندن اقدامات سخت‌گیرانه بر علیه ایران بودند که این خواسته بدون منطق فکری و براساس خصومت‌های سیاسی بود».

در سال ۲۰۱۶ «تیلر کولیس» در مقاله‌ای با عنوان «آیا FATF در رابطه خود با ایران بازبینی می‌کند؟» به گام‌های اجرایی ایران برای همســـو شـــدن و مطابقت با قوانین FATFاشاره می‌کند که از دید این نویســـنده، چنین رویکردی از ایران قدم‌های اولیه برای نزدیک شدن به یک توافق جامع است اما از دید وی مهم‌ترین گامی که در این راستا برداشـــته شده، ابراز علاقه دولت ایالات متحده به اقدامات ایران در مورد مســـائل CFT و AML است. در همین باره سناتور آدام زوبین گفته بود«اگر ایران می‌خواهد از تمام مزایای توانمندی اقتصادی خودش بهره ببرد، زمان آن رســـیده تا مشکلات سیســـتماتیک خود را در بازارهایش درمان کند. شفافیت اقتصادی در ایران کمتر از استانداردهای جهانی اســـت و آنها به تازگی شروع به بهبود آنها کرده‌اند اما نباید فراموش کنیم که تازه در ابتدای راه هستند».

از بوش تا اوباما؛ همه علیه ایران

«امیـــل دال» در مقالـــه خـــود در ســـایت Armscontrol به طور کامل به روزهای آغازین شـــکل‌گیری FATF و سیاست‌های جرج بوش و باراک اوباما در قبال ایران می‌پردازد و در بخشی از آن می‌نویسد «در ماه‌های واپسین دوران ریاست بوش در آمریـــکا، FATF تحقیقات جامعی را بر روی اقدامات و عملکردی که کشورهای مختلف در مورد اطمینان یافتن از اینکه موسسات مالی و اقتصادی تحت نظرشان با محدودیت‌های اقتصادی اعمال شده در قطعنامه سازمان ملل در مورد ایران و کره شمالی تطبیق یافته‌اند، انجام داد. در همین دوره اقدامـــات اولیه برای فشـــار آوردن به ایران و کره شمالی صورت گرفت اما بوش صندلی ریاست را ترک کرد و جای خود را به اوباما سپرد. یکی از مهم‌ترین کارهایی که در دوره بوش صورت گرفت، مبارزه با ترویج فعالیت‌های مالی تسلیحاتی یا همان CPF بود که اوباما به محض حضور در کاخ سفید، از همین نقطه کارش را شروع کرد اما او در راهکار خود تغییرات کلیدی دیگری را هم در بخش‌های دیگر در نظر گرفت».

در سال‌های اولیه ریاست اوباما مقامات دولت او نه تنها خواستار تعهدات سخت‌تر برای تطبیق با لیست تحریم‌ها بودند بلکه برای اینکه تعهدات مربـــوط به مبارزه بـــا ترویـــج فعالیت‌های مالی تسلیحاتی به طور گسترده‌تر صورت گیرد، فشار آوردند. این اقدامات از موسسات مالی می‌خواست تا در معاملات مالی با افراد یااشخاصی که به تنهایی مورد تحریم قرار گرفته‌اند یا در ارتباط با گسترش فعالیت‌های موشکی یا هسته‌ای قرار دارند، هوشیار باشـــند. برای این کار در وزارت خزانه‌داری آمریکا گروهی شـــکل گرفت که پروژه مبـــارزه با ترویج فعالیت‌های مالی تسلیحاتی را در قالب یک پروژه پیش ببرند. هدف آنها معرفی گزینه‌های سیاسی عملی بـــرای FATF بود. آنها پیش از جلســـات عمومی کارگروه FATF با شـــرکای اروپایی خود ملاقات می‌کردند تا به یک نظر واحد در مورد ایران و کره‌شمالی دست پیدا کنند.

در ماه جولای سال ۲۰۰۹ یکی از مقامات ارشـــد وزارت خزانه‌داری آمریکا در ملاقات بـــا مســـئولان بلندپایـــه بانـــک مرکزی امـــارات، از اقدامات خاصی برای جلوگیری از روابط مالی بانکی با ایـــران خبر داد و مشـــخص کرد که عضویت بالقوه امـــارات متحده عربـــی در FATF به اعمال این کشور بســـتگی دارد. با این حال همه کشورها با دیدگاه آمریکا در مورد تعهدات CPF موافق نبودند و میان دولت اوباما و شرکای اروپایی‌اش اختلاف نظر وجود داشت که آلمان سرسخت‌ترین آنها بود. به باور آنها موسسات مالی در موقعیتی قرار نداشتند که بتوانند در مبارزه با ترویج فعالیت مالی تسلیحاتی هوشمندانه‌تر عمل کنند و افزایش اقدامات کنترلی سخت‌گیرانه، صادرات کشورها را در موقعیت بدی قرار می‌دهد. این دیدگاه‌های متضاد به معنای آن بود که اگرچه توافق صورت گرفته در مورد FATF گام مهمی بود اما شکننده‌تر از آن چیزی بود که واشنگتن تصورش را می‌کرد.

در ســـال ۲۰۱۲ گروه اقـــدام مالی که در جلسات خود به طور مستمر موضوع CPF را در دستور کار داشت، تنها بر روی اجرای تحریم‌های مالی اعمال شـــده از سوی سازمان ملل تمرکز داشت. در این شرایط کشورها تنها ملزم به اجرای تحریم‌های مالی بودند که سازمان ملل با هدف مبارزه با ترویج فعالیت‌های مالی تسلیحاتی آنها را در نظر گرفته بود. در قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل هیچ‌گونه تعهد جدیدی برای اعضای FATF در نظر گرفته نشده و فقط به تحریم‌های مورد نظراشاره شده بود. برای همین آمریکا بدنبال تغییرات جـــدی در موضعیت قوانین FATF و حوزه‌هـــای CPF و CFT بود. به همین دلیل در همـــان مقطع آمریکا نشـــان داد که دیگر از اقدامـــات بعدی FATF حمایت نخواهد کرد و در نتیجه تمرکز این نهاد بر روی موضوع CPF به مرور کاهش پیدا کرد. به همین دلیل از سال ۲۰۱۳ هیچ‌گونه راهنمایی CPF ارائه نشـــد و تعداد دیگری از جرائم مالی همچون تامین مالی تروریســـم نسبت به موضوع ترویج فعالیت‌های مالی تسلیحاتی اولویت پیدا کرد.

در ســـوی دیگر اما دولت اوبامـــا به دنبال اقدامات قوی‌تری در مبارزه با ترویج فعالیت‌های مالی تســـلیحاتی در سطح ســـازمان ملل بود؛ اقداماتی که منجر به صادر شدن قطعنامه‌های متعددی علیه کره شمالی شد. در این راه دولت اوباما به طور پیوسته از اعمال تحریم‌های سخت ملی علیه کشـــورهایی که به ادعای خودشـــان تســـلیحات نظامی را گســـترش می‌دادند و شبکه‌هایی که از این کشورها حمایت می‌کردند، پشـــتیبانی می‌کرد. ایالات متحـــده موج دوم تحریم‌های خود را در سال ۲۰۱۰ بر علیه ایران اعلام کرد؛ تحریم‌هایی که به مقامات آمریکایی این اجازه را می‌داد تا موسسات مالی غیرآمریکایی و غیرایرانـــی را به دلیل معاملات مالی با افراد و اشخاص تحریم‌شده ایران، تحریم کنند. این اقدام باعث می‌شد تا خارج از مرزهای آمریکا، تمامی کشورها به تعهدات مورد نیاز این کشور پایبند باشند. چنانچه برای دولت ثابت می‌شد که یکی از موســـسات مالی اروپایی خدمات مالی را در حمایت از برنامه هسته‌ای و موشکی برای ایران فراهم کرده، دسترسی این موسسه به سیستم مالی ایالات متحده را از بین می‌برد.

از دیگر اقدامات دولت اوباما بخش ۳۱۱ قانون پاتریوت آمریکا بود که به دولت اجازه می‌داد تا در مورد نگرانی‌های موجود درباره پولشویی، قوانین قضایی و اختیارات قانونی جامعی را تعیین کند. از این اقدامات تحت عنوان «گزینه هسته‌ای وقتی به تحریم‌های مالی تبدیل می‌شود» نام برده می‌شد. طبق این قانون اســـتفاده از دو حساب متناظر در بانک‌های خارجی ممنوع اعلام شد یعنی هیچ یک از بانک‌های خارجی نمی‌توانســـتند با استفاده از حساب‌های خود در بانک‌های آمریکایی، معاملاتی را بر اساس دلار انجام دهند. مجازات چنین کاری هم خیلی ساده بود و آن قطع دسترسی آن بانک به سیستم مالی ایالات متحده بود. در سال ۲۰۱۱ دولت اوباما برای اولین بـــار این قانون را به بهانه فعالیت‌های هسته‌ای در مورد ایران اجرا کرد. البته گفته می‌شـــود اقدامات اولیه برای چنین کاری از سال ۲۰۰۹ و در مذاکره با شرکای اروپایی از سوی آمریکا انجام شده بود. در ژوئن ۲۰۱۶ همین اتفاق نیز برای کره‌شمالی هم افتاد.

در دولـــت اوباما میـــزان جرائـــم بانک‌های بین‌المللی کـــه در معاملات مرتبط بـــا ایران در سیســـتم مالی ایالات متحده دخالت داشتند، به نزدیکی ۹ میلیارد دلار رســـید. این جرائم ترس زیادی را به جان دیگر موسسات مالی بین‌المللی انداخت و آنها از ترس اینکه مبادا دچار تحریم‌های آمریکا شوند، مجبور بودند بیش از آنکه به قوانین دولت کشور خودشان توجه کنند، به قوانین دولت آمریکا توجه داشته باشند. در عین حال دولت اوباما و خود شخص او تلاش کردند تا سیاست‌های خود را در دیگر کشورها به طور موازی پیش ببرند. آنها به کشورهای کوچک‌تر و ضعیف‌تر سفر می‌کردند تا مقامات دولتی را از خطرات گسترش حمایت مالی از فعالیت‌های تسلیحاتی آگاه کنند. آنها در مذاکرات خود به اطمینان دست پیدا می‌کردند که قوانین قضایی‌شـــان در مبارزه با ترویج فعالیت‌های مالی تســـلیحاتی به خوبی اجرا می‌شود. در این شرایط بسیاری از کشورها دیگر به CPF توجهی نداشتند و به آن فکر نمی‌کردند چراکه اکنون قوانین ســـخت گیر ا نه تر و از آن مهم‌تـــر تحریم‌هایـــی بـــود که از ســـوی آمریکا اعمـــال شـــده بود. بدین ترتیب آمریکا توانست کشورهای زیادی را بـــا ایجاد وحشـــت اعمـــال تحریم‌هـــا بـــا خود همراه کند. اقدامات اوبامـــا بـــه عنوان رئیس‌جمهور جدید آمریکا باعث شـــد تا افراد و کشـــورها به جای آنکه تحت اقدامات بین‌المللی CPF باشند، با تحریم‌های یکطرفه و یک جانبه آمریکا مواجه شوند.

*** برجام نه تنها تحریم‌ها را لغو نکرد و نه تنها مراودات بانکی را تسهیل نکرد، بلکه مقدمه‌ای شد برای فشار بیشتر بر ایران! موضوع پیوستن ایران به FATF یکی از نتایج رویکرد خسارت‌آفرین برجام است.**

***معاون سابق وزارت خزانه‌داری آمریکا: FATF ثابت کرده موفقیت چشمگیری در افزایـــش ظرفیت مقابلـــه با ایران داشته است.**

میراث بر جای مانده اوباما برای ترامپ

در روزهای نخســـتینی که دونالد ترامپ به عنوان رئیس‌جمهور جدید آمریکا معرفی شـــد، یکی از اصلی‌ترین چالش‌هایی که او با آن مواجه بـــود، موضوع FATF و اقداماتی بود که در دولت اوباما صورت گرفته بود. اقداماتی در راستای مبارزه با ترویج فعالیت‌های مالی تســـلیحاتی که البته با اقدامات سازمان ملل و خود FATF همسو نبود. با این حال اگرچـــه ترامپ تمرکز خود را بر روی برنامه هسته‌ای ایران و برجام متمرکز کرده بود اما زیردستان او در وزارت خزانه‌داری و دیگر سازمان‌ها به این موضوع توجه داشتند. در روز ۲۵ ژانویه سال ۲۰۱۸ ادوارد رویس، رئیس‌کمیته روابط خارجی کاخ ســـفید از ارسال نامه‌ای به وزارت خزانه‌داری خبر می‌دهد که در آن به اســـتفاده از تحریم‌ها و دیگر ابزارهای فشار اقتصادی بر ایران تاکید شده است. فایننشال تریبونز در مقاله خود تحت عنوان «تصمیـــم FATF درباره ایـــران و تاکتیک‌های آمریکا» با اشاره به این موضوع در ادامه می‌نویسد «در این نامه آمده است که ابزارهای در دسترس در FATF باید به عنوان بخش کلیدی انجام چنین کاری باقی بماند».

رفتن تحریم‌ها!

آن روزها که برجام بر روی میز مذاکره بود، دولتمردان و رسانه‌های زنجیره‌ای از قدم خیر آن سخن می‌گفتند که خود یک تنه می‌آیَد و همه کارها را ســـامان می‌بخشد از چرخ اقتصاد تا آب خوردن و هوای نفس کشیدن را. آن روزها چیزی به ملت در این باره گفته نشد که برجام آغاز راه اســـت و بعد از اجرای آن و انجام تعهدات توسط ایران و عهدشـــکنی توسط آمریکا و اروپا دوباره حامیان برجام ظاهر می‌شوند و در لزوم تصویب چند کنوانسیون دیگر برای رفتن تحریم‌ها سخن می‌گویند!

اکنون نیز می‌گویند با تصویب اینها چنین و چنان می‌شـــود اما مگر برای برجام هم این را نگفته بودند؟! دولت در پاسخ به ایرادهای منتقدان و آنچه در مورد این لوایح مطرح است چیزی به نام «شرح تفسیری» را ضمیمه متن لایحه منابع مالی تروریســـم کرد. اما بـــا این حال منتقدان می‌گویند این قبیل چاره اندیشی‌های دولت تنها مصرف داخلی دارد و عملا در مجامع بین‌المللی بی‌اثر است.

سردار فدوی:

ناوهای آمریکایی از ترس عکس‌العمل ایران از مرزهای آبی ما دور شدند

فرمانده نیروی دریایی ســـپاه با بیان اینکه ناوهای آمریکا در زمان اعلام خروج از برجام از مرزهای آبی ایران دور شـــدند گفت: آنها خودشان اعتراف کردند از ترس عکس‌العمل جمهوری اسلامی دور شدند.

به گـــزارش رجانیوز، دریادار علی فدوی در یادواره شهید «ســـیدمهدی خوش‌سیرت» در گلزار شهدای آستانه‌اشرفیه با بیان اینکه ناوهای آمریکا در زمان اعلام خروج از برجام از مرزهای آبی ایران دور شدند گفت: آنها خودشان اعتراف کردند از ترس عکس‌العمل جمهوری اســـلامی دور شدند.

دریـــادار فدوی بـــا بیان اینکه دشـــمنان جمهـــوری اســـلامی از دو روز بعـــد از پیروزی انقلاب اسلامی دشمنی خود را با انقلاب شروع کردند افزود: دشمنان به دلیل قدرتمندتر بودن تجهیزات نظامی ما از ما هراس ندارند زیرا بودجه نظامی یکسال آمریکا ۷۸۰ میلیارد دلار است و تجهیزات پیشرفته‌ای دارد.

وی با اعلام اینکه نیروی دریایی سپاه روزانه بیش از ۱۰۰ فروند ناو در مقابل ناوهای آمریکایی قرار می‌دهد اظهار داشـــت: آمریکایی‌ها ناوهای معمولی ما را دیده‌اند و ما ناوهای اصلی خودمان را به آنها نشان نداده‌ایم.

فرمانده نیروی دریایی ســـپاه پاســـداران با بیـــان اینکه آمریکایی‌ها زمانی کـــه با ایران رو به رو می‌شـــوند خود را درون جهنم احســـاس می‌کننـــد گفت: نیروی دریایی آمریکا در مقابل نیروی دریایی ســـپاه چیزی جز حقارت کسب نکرده است.

وی با اعلام اینکه آمریکا در زمان دستگیری تفنگدارانش برای ترســـاندن ایـــران ۱۸ فروند هواپیمای جنگی را به کار گرفت عنوان داشت: ما از التمـــاس مقامات آمریکایـــی برای آزادی تفنگدارانشان فیلم داریم که هر زمان لازم شود پخش می‌کنیم.

نگاهی به دیروزنامه‌های زنجیره‌ای

تکرار حرف‌های ترامپ و نتانیاهو در روزنامه‌های مدعی اصلاحات

سرویس سیاسی-

نقش اصلاح‌طلبان در وضعیت اقتصادی موجود آدرس غلط دادن از ریشـــه مشکلات است به عبارتی آنها به تکرارکنندگان حرف‌های ترامپ و نتانیاهو تبدیل شده‌اند و ریشه مشکلات اقتصادی را در سیاست خارجی عنوان می‌کنند! از این جماعت باید پرسید دولت در برجام به هرآن شرط و تعهدی که قرار دادند عمل کرد، آیا نتیجه‌ای گرفت که حالا باز بر طبل سرفرودآوردن در برابر زیاده خواهان می‌کوبید؟

روزنامه آرمان در سرمقاله پنج‌شنبه هفته گذشته نوشت: «مسائل روزهای اخیر رگ و ریشه سیاسی دارد و با تغییر وزرا این مسائل و مشکلات قابل حل نیست. شاید حتی تغییر وزرا یک مقدار سیگنال‌های منفی هم به بازار بدهد و باعث بدتر شدن اوضاع هم بشود. واقعیت موجود حاکی از یک متغیر در حوزه سیاست خارجی است که همه در جریان هستند. مسئله‌ای که دونالد ترامپ برای برجام پیش آورده و مسائل روانی خاصی که در حوزه اقتصاد به این وضعیت برمی‌گردد. بنابراین موضوع کاملا ریشه سیاسی دارد».

این روزنامه زنجیره‌ای مدعی است که مشکلات اقتصادی ریشه در سیاست خارجی دارد! این در حالی است که همین روزنامه چندی پیش در مطلبی نوشته بود:«اعضای کابینه آقای روحانی باید در کنار پرداختن به مسئله برجام در زمینه‌های تخصصی خود نیز فعالیت می‌کردند و سیاســـت‌های داخلی را نیز ساماندهی می‌کردند. این در حالی است که اتاق فکر سیاست داخلی دولت آقای روحانی خاموش بود و به صورت مؤثر نقش‌آفرینی نکرد... از سوی دیگر دولت خود را برای نیمه خالی برجام و این مسئله که احتمال کارشکنی از سوی طرف مقابل وجود دارد، آماده نکرده بود».

متاســـفانه دولت آقای روحانی تمام تخم مرغ‌های خود را در سبد برجام گذاشت و با رویکرد خسارت آفرین «امضای برجام به هر قیمت» و «حفظ توافق به هر قیمت»، حدود ۵ ســـال، ظرفیت‌های عظیم کشـــور را معطل مذاکره و برجام گذاشت و بدین طریق خسارات بزرگی به اقتصاد کشور وارد کرد.

اکنون مطالبه اصلی مردم کشورمان رفع مشکلات معیشتی و اقتصادی است. یکی از راهکارهای اساسی این امر نیز بهره‌مندی دولت از ظرفیت‌های عظیم داخلی و همچنین هدایت نقدینگی سرگردان و مخرب «یک تریلیون و چهارصد و نود هزار میلیارد تومانی» به سمت فعالیت‌های اقتصادی مولد و تضمین شده از سوی دولت است.

از ســـوی دیگر، بستن راه واردات کالاهای دارای مشابه داخی یا لوکس، سختگیری در مقابل قاچاق چند ده میلیارد دلاری، عملیاتی کردن دیپلماســـی اقتصادی در منطقه و جهان غیرغربی، حساب‌کشی تولید محور و نه سوداگرانه از بانک‌ها، عملیاتی کردن بودجه و حذف انبوه رانت‌های پنهان در زیرمجموعه دولت، از جمله تدابیری است که می‌تواند ضمن تقویت اقتصاد ملی، حربه‌های جنگ اقتصادی دشمن را کُند و بی‌اثر نماید.

کوتاه کلام آنکه وقتی شخصی به طبیب آدرس غلط بدهد از منشا درد قطع به یقین درمانی حاصل نخواهد شد. حالا این حکایت دولت تدبیر و امید و اصلاح‌طلبان و روزنامه‌های آنان است که با آدرس غلطی که از بسترهای پیدایش مشکلات اقتصادی می‌دهند عملا به تشدید وضع موجود دامن زده و راه درمان مناسب را می‌پوشانند.

بازی زنجیره‌ای با منافع ملت

روزنامه اعتماد به مباحثی که در روزهای اخیر پیرامون مجلس مطرح بوده پرداخته است و استفاده مجلس از ابزارهـــای نظارتی خود را «بازی» عنوان کرده از همین روی در این گزارش به وضوح برخورد جناحی و حزبی این طیف دیده می‌شود که عواید جناحی برای ایشان از منافع ملی و ملت مهم‌تر است.

نمایندگان مجلس دو وظیفه عمده دارند: نخست قانون‌گذاری و دوم بحث نظارت. اگرچه عموم مردم نمایندگی مجلس را با همان وظیفه نخست یعنی قانون‌گذاری می‌شناسند اما وظیفه نظارتی هم راستا با بعد قانون‌گذاری مهم است.

روزنامه اعتماد روز پنج شنبه در گزارشی این موضوع نظارتی را «بازی» خوانده چرا که دولت مورد حمایت ایشان بر سرکار است. در گزارش مذکور آمده: «حالا اما همانطور که پیش از این به‌نقل از امیرآبادی‌فراهانی گفتیم، بازی!! تمام است و با این حساب، لازم نیست روحانی برای پاسخگویی به سؤال نمایندگان درباره موسسات مالی و اعتباری و بحران ارزی به صحن علنی مجلس بیاید.»

روز سه‌شنبه ولی داداشی نماینده مردم آستارا در مجلس طی تذکری گفت: «مگر رای‌گیری بعد از سؤال از رئیس‌جمهور چه تنشی ایجاد می‌کند که اجازه نمی‌دهید سؤال از رئیس‌جمهور مطرح شود؟ پس از طرح سؤال از رئیس‌جمهور، دولت تک تک وزرا و استاندارانش را به دنبال نمایندگان فرستاد تا امضاهایشان را پس بگیرند.»

نکته جالب توجه آنکه بهروز نعمتی که خود نماینده لیست امید است در هفته گذشته گفته بود قریب به هفت ماه است که از راه‌های مختلف از رئیس‌جمهور خواسته شده تا کابینه‌اش را ترمیم کند اما گوش شنوایی نیست!

کواکبیـــان که خود از طیف اصلاح‌طلب و حامی دولت اســـت در موافقـــت با طرح ملزم کردن دولتمردان به پاسخگویی گفته بود: به جای اینکه از وزرا خواهش و تمنا کنیم و از رئیس‌جمهور هم درخواست کنیم و احتمالا وقت ندهد، این طرح بطور قانونی آنها را ملزم می‌کند که سالی یک بار به مجلس بیایند و گزارش اقدامات انجام شده را بدهند.

امیرآبادی نیز در همان جلســـه‌ای که روزنامه اعتماد تنها خبر منتفی شـــدن سؤال از رئیس‌جمهور را از آن منتشـــر کرده، گفته بود: «کمیسیون اقتصادی مجلس سه بار به دولت نامه نوشته که نماینده‌اش را برای حضور در کمیسیون اقتصادی معرفی کند اما جواب نداده‌اند؛ بر این اساس قرار شد من با آقای امیری معاون پارلمانی رئیس‌جمهور و کمیسیون اقتصادی مجلس هماهنگ کنم که اگر دولت از زمان گفت‌وگوی ما، یک هفته نماینده‌اش را معرفی نکرد، این سؤال مستقیما به صحن علنی ارسال شود و پس از اعلام وصول در صحن، رئیس‌جمهور یک ماه برای حضور و پاسخ دادن مهلت خواهد داشت.»

چندان سخت نیست که با وجود این مواردی که بیان کردیم و عدم پاسخگویی دولتمردان، مجلس از ابزارهای قانونی خود برای قرار دادن دولت در مسیر قانونی استفاده کند. اما آنچه جالب توجه است برخورد روزنامه طیف اصلاح‌طلب با این موضوع است که با وجود حال و روز بد اقتصاد و عدم پاسخگویی دولتمردان و اصرار رئیس‌جمهور بر حفظ این کابینه ناکارآمد، وقتی نمایندگان از بُعد نظارتی خود وارد عمل می‌شوند آن را «بازی» خوانده است.

پایتخت و افزایش ۴۵/۸ درصدی قیمت مسکن

روزنامه ایران دیروز گزارشـــی را با عنوان «افزایش ۴۵/۸ درصدی قیمت مســـکن در یک سال» منتشر کرد بااشـــاره به گزارش بانک مرکزی در این زمینه، نوشـــت: «قیمت مســـکن در تهران خردادماه به هر مترمربع ۶/۵ میلیون تومان رسید که این قیمت نسبت به اردیبهشت امسال ۸/۹درصد و نسبت به مدت مشابه سال قبل ۴۵/۸ درصد گرانتر شد.»

ارگان دولت افزود: «بانک مرکزی در گزارشی آمار مربوط به معاملات و قیمت مسکن در شهر تهران در خردادماه را منتشر کرد. این آمار نشان می‌دهد با اینکه تعداد معاملات نسبت به ماه قبل و مدت مشابه سال قبل کم شده اما قیمت‌ها رشد داشته است. درخردادماه تعداد معاملات با ۱۴/۹ هزار معامله ۲۲/۱ درصد نسبت به اردیبهشت ماه و ۳/۱ درصد نسبت به خرداد ۹۶ افت داشته اما با وجود کاهش تقاضا قیمت هر متر آپارتمان در این ماه به ۶/۵ میلیون تومان رسیده که نسبت به اردیبهشت ۸/۹درصد و نسبت به خرداد ۹۶، ۴۵/۸درصد افزایش را نشان می‌دهد. این میزان افزایش قیمت مسکن در یک ماه و در یک سال از سال ۹۲ تاکنون سابقه نداشته است.»

ایران ادامه داد: «تحولات بازار مسکن نشان می‌دهد در حال حاضر بدون آنکه معاملات بازار زیاد شود قیمت‌ها رو به افزایش اســـت. درحالی که انتظار این اســـت با کم شدن تقاضا یا کاهش معاملات، قیمت‌ها ثابت می‌ماند یا افزایشی نداشت. از آمار افزایش قیمت با وجود کاهش معاملات می‌توان به این نتیجه رسید تقاضای مصرفی به‌دلیل افزایش قیمت‌ها کم شده و متقاضیان واقعی از خرید منصرف شده‌اند اما به دلیل وجود تقاضای سرمایه‌گذاری و سوداگری قیمت‌ها همچنان رشد داشته است.»

هنوز هم به توافق نرسیده‌اید؟

روزنامه ایران چندی پیش در گزارشی با عنوان «چرا مسکن گران شد؟» این مسئله را دارای علت‌هایی نظیر بی‌ثباتی بازار ارز، کمبود زمین در بازار مسکن، متناسب نبودن تولید مسکن با نیاز بازار و... دانست و نوشت: «... یکی دیگر از عواملی که این روزها برای گرانی مسکن به آن‌اشاره می‌شود کاهش ساخت و ساز و تولید مسکن به دلیل ۵سال رکود است. دبیر کانون سراسری انبوه‌سازان مسکن بااشاره به دلایل افزایش قیمت مسکن می‌گوید اگر می‌توانســـتیم به نحوی در بازار مســـکن فعالیت کنیم که ساخت و ساز، متناسب با نیاز جامعه صورت بگیرد قطعاً امروز شاهد افزایش بیش از حد قیمت مسکن در بازار نبودیم.»

ایران به نقل از عضو کانون سراسری انبوه سازان نیز نوشت: «در ۵ سال گذشته به اندازه نیاز مسکن ساخته نشده و سال به سال میزان ساخت کاهش یافت و در حالی که سالانه به حدود یک میلیون مسکن نیاز بود کاهش حدود ۴۰۰ هزار واحدی در هر سال داشتیم.»

روحانی در جلسه رأی اعتماد به وزرای پیشنهادی‌اش در مجلس گفته بود: «آقای آخوندی وزیر بسیار فعالی بودند البته در بخش مسکن ما نتوانستیم به توافق نهایی با یکدیگر برسیم و در دولت دوازدهم اولین چیزی که از ایشان به جد خواهم خواست مسئله مسکن است.»

به تصریح وزیر راه و شهرسازی، دولت معتقد به ساخت و تولید مسکن نیست و تنها به ارائه تسهیلات بسنده می‌کند. تســـهیلاتی که مراحل و شرایط دریافت و باز پرداخت آن با وضعیت اقشار کم درآمد تناسبی ندارد. چه برســـد به اینکه قیمت مســـکن هم افزایش پیدا کرده اســـت. عباس آخوندی در ابتدای دولت یازدهم از مسکن اجتماعی سخن گفت و هیچ گاه این سخن به مرحله اقدام نرسید. آقای روحانی هنوز هم با وزیر راه بر سر مسکن به توافق نرسیده‌اند؟

امید واقعی نه تخیلی

مصطفی هاشمی‌طبا طی یادداشتی در روزنامه شرق فوتبال و ورزش را جزء کوچکی از زندگی مردم دانست که اتکا به شـــادی‌های ناشـــی از پیروزی‌های ورزشی یک امید تخیلی است نه امید واقعی و مسئولین بایستی به این واقعیت توجه داشته باشند.

در بخشی از این یادداشت آمده است: «برای نگارنده که بیش از نیم قرن با ورزش بزرگ شده، عشق و مطلوب زندگی‌اش ورزش بوده و همواره دغدغه پیروزی تیم‌های ورزشـــی میهن‌مان را داشـــته، ورزش و فوتبال در برابر مسائل اصلی کشور فقط یک جزء بسیار کوچک است؛ با وجود آنکه تأثیر روانی کاملی دارد. ورزش و فوتبال به حیات یک کشور و ملت ربطی ندارد اما مسائل بسیار دیگری هستند که تداوم حیات کشور به آنها وابسته است و بدون آنها ورزش محلی از اعراب ندارد. همین مردمی که آن‌چنان شادمان سرود پیروزی و افتخار سر می‌دهند، نوعا از بیکاری، رکود اقتصادی، تهدیدهای سرزمینی ناشی از کمبود آب و سایر مسائل رنج می‌برند و هر آن گاه که فرصت یابند نارضایتی خود را ابراز می‌کنند. مســـئولان هم بلافاصله می‌خواهند رضایت ناراضیان را به دست آورند، پس مجبور به صادرکردن امتیازاتی فردی می‌شوند؛ درحالی‌که بدون توجه به اصل مشکلات، این امتیازات پس از مدت کوتاهی خنثی می‌شود و به‌اصطلاح: روز از نو روزی از نو.»

گفتنی است که در جریان بازی‌های جام جهانی برخی با اتکا به حضور بانوان در ورزشگاه‌ها و تماشای خانوادگی این بازی‌ها درخواست‌ها و مطالبات مردمی را به این امور سطحی تقلیل دادند تا واقعیات جامعه به حاشیه برود.

هفته گذشـــته کیهان در گزارشی به این مسئله‌اشاره کرده و نوشته بود: «در شرایطی که بحران‌های متعدد اقتصادی نظیر رکود، تورم و بیکاری گریبانگیر کشور است و اوضاع معیشتی مردم را با مشکل مواجه کرده است، این روزها مجددا روزنامه‌های زنجیره‌ای اصلاح‌طلب و همسو با دولت رسالت واقعی خود در پرداختن به مشکلات و معضلات اقتصادی و فرهنگی مردم را به فراموشی سپرده و با پرداختن به سیاسی کاری و سیاسی بازی از جمله ســـوژه حضور زنان در ورزشـــگاه و ماجرای عدم حضور یک بازیکن خارجی در صدا و سیما، بدنبال تامین منافع باندی و جناحی خود هستند.» این یادداشت با حمله روزنامه‌های زنجیره‌ای و مدعیان اصلاحات مواجه شد که برخی راضی و حاضر به دیدن شادی مردم نیستند!